

## مطالعه تطبیقی نمادها و نقش مایه‌های تزئینی تخت جمشید و دژ اربونی

زهرا آخوندی<sup>۱</sup>، رضا افهمی<sup>۲\*</sup>، حسن علی پورمند<sup>۳</sup>

۱- کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه پژوهش و تاریخ هنر دانشگاه تربیت مدرس

۳- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه پژوهش و تاریخ هنر دانشگاه تربیت مدرس

Afhami@modares.ac.ir

### چکیده

هنر امپراتوری هخامنشی را هنری فرآزادی، اختلاطی و ترکیبی خوانده‌اند، چراکه تأثیر و تأثر تمدن‌های دیگر در آن مشهود است. از این رو، ارتباط آن با هنر اقوام دیگر، به‌منظور دستیابی به شناخت بیشتر، نیازمند واکاوی می‌باشد. یکی از این اقوام که پیش از هخامنشیان وجود داشته و بعدها به مستعمره آنها بدل شد، اورارتو بود که در طول قرن نهم پیش از میلاد در فلات مرتفع ارمنستان شکل گرفت. بنابراین، به‌منظور واکاوی و شناخت ژرف‌تر ارتباطات این دو تمدن، پژوهش حاضر درصدد تبیین تمایزات و تشابهات میان نمادها و نقش‌مایه‌های برجای‌مانده از آنها در دو بنای مهم این تمدن‌ها، بنای تخت‌جمشید و دژ اربونی، می‌باشد. بدین‌منظور، از روش تحلیلی-تطبیقی بهره گرفته شده و مبنای استناد نیز، منابع کتابخانه‌ای بوده‌است. نتایج این تطبیق نشانگر اشتراک تخت‌جمشید و دژ اربونی در نمادها و نقش‌مایه‌هایی نظیر درخت زندگی، شیر و گاو، لاماسو، گریفین، لوتوس، عناصر تزئینی، تأکید، تکرار و تقارن بوده که علاوه بر تفاوت در جزئیات عناصر مشترک‌شان، این نمادها و نقش‌مایه‌های تزئینی در دژ اربونی بیشتر در قالب فرسکو با رنگ‌های زنده به تصویر کشیده شده، اما در تخت‌جمشید بیشتر به‌صورت حجاری و نقش برجسته نمود یافته که پویایی، قدرت و ابهت بیشتری را القا می‌سازد.

واژگان کلیدی: هخامنشی، اورارتو، تخت‌جمشید، دژ اربونی.

### ۱- مقدمه

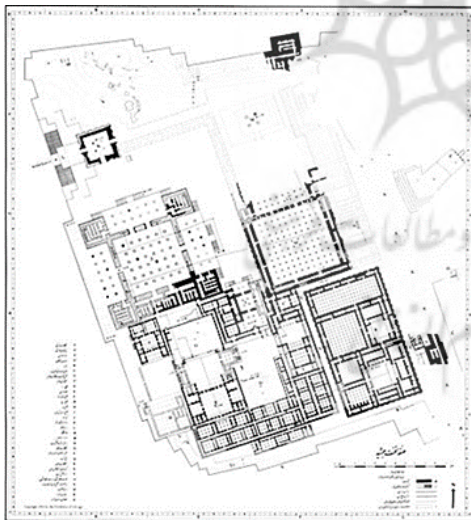
کشور ایران ایجاد یک حکومت مرکزی و امپراتوری عظیم دنیای باستان را مدیون حکومت هخامنشیان است. کوروش و داریوش، برای نخستین بار در تاریخ جهان، شاهنشاهی وسیعی را به‌وجود آوردند و با تصرف بین‌النهرین، سوریه، مصر، آسیای صغیر، هندوستان و جزایر یونان و ضمیمه کردن آنها به خاک ایران، خود شامل تمام تمدن‌های کهن گردید. از این رو، هنر امپراتوری هخامنشی را هنری فرآزادی خوانده‌اند و به نظر می‌رسد که دیپلماسی آسان‌گیری دینی و بهره بردن از رسوم، نمادها و توانایی‌های همه ساکنان امپراطوری در آفرینش یک فرهنگ فرآزادی سبب شد تا این سرزمین پهناور پس از دو هزاره نبرد پیاپی، دورانی از آرامش به درازای یک سده را تجربه کند و بستر شکل‌گیری هویت ملت ایران گردد. بنابراین، هنر هخامنشی بدل به یک هنر اختلاطی و ترکیبی شد که می‌توان تأثیرات جوامع دیگر مانند اورارتو، یونان، بین‌النهرین، فنیقیه، سوریه و دیگر تمدن‌ها را در آن مشاهده کرد. از طرفی دیگر، یکی از تمدن‌هایی که پیشتر از هخامنشی وجود داشت و بعدها به مستعمره آن بدل شد، تمدن اورارتو بود. بسیاری از نمادها و نقش‌مایه‌هایی که در سرتاسر تمدن اورارتو دیده می‌شود، بعدها در بسیاری از آثار هخامنشیان نیز تجلی می‌یابد. هر چند نمی‌توان به‌طور یقین ادعا داشت که تنها هنر و تمدن هخامنشیان متأثر از اورارتو بوده‌است، چه بسا آدادانا و خدای هالدی اورارتویی‌ها ملهم از هخامنشیان بوده‌است. در هر صورت، پژوهش حاضر، با پذیرش رابطه میان این دو تمدن، فارغ از چگونگی تأثیر و تأثرشان بر یکدیگر، تنها درصدد دستیابی به شناختی ژرف‌تر در باب تمایزات

و تشابهات آنها در زمینه کاربست نمادها و نقش‌مایه‌های تزئینی، در دو بنای مهم‌شان، یعنی تخت‌جمشید و دژ اربونی، می‌باشد. بنابراین، سوالی که مطرح می‌شود این است که چه نمادها و نقش‌مایه‌های مشترکی در هر دو بنای تخت‌جمشید و دژ اربونی بکار رفته‌است و این نمادها و نقش‌مایه‌ها چه تمایزاتی با یکدیگر دارند. بدین‌منظور از روش تحلیلی-تطبیقی بهره گرفته شده و گردآوری اطلاعات بر مبنای مراجع کتابخانه‌ای بوده، که در تجزیه و تحلیل آن، ابتدا به بررسی نمادها و نقش‌مایه‌های دو بنا پرداخته شده و سپس تطبیق و تبیین تمایزات و تشابهات صورت گرفته شده‌است.

## ۲- نگاهی اجمالی به سلسله هخامنشی

کوروش کبیر با غلبه بر پدربزرگش استیگ، پادشاهی مادها را منقرض نمود؛ ولی علاوه بر ماد بر سرزمین‌های تابعه آن نیز دست یافت و با به زیر فرمان در آوردن حکومت لیدی به بخش اعظم شبه جزیره آناتولی مسلط گردید (هژبری و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۰). بدین‌ترتیب، امپراتوری هخامنشی در سال ۵۵۰ پیش‌ازمیلاد توسط کوروش بنیان نهاده شد. این امپراتوری در زمان داریوش بزرگ (۵۲۲ الی ۴۸۴ ق.م) هر چه بیشتر توسعه یافت و از دره سند در شبه قاره هند تا شمال یونان و مصر را شامل گردید (آزند، ۱۳۹۰: ۳۴). مدیریت هخامنشیان در امر کشورداری به‌گونه‌ای بود که در سایه آن امنیت و رفاه کلیه اقوام میسر گردیده بود. سیاست شاهان هخامنشی که بر مبنای احترام و ارزش‌گذاری بر آیین‌های مذهبی و فرهنگ و هنر هر منطقه بود، موجب پیشرفت هنر و تمدن و اشاعه فرهنگ ایرانی در این دوران گردید (احسانی، ۱۳۹۰: ۵۰). هخامنشیان که وارث فرهنگ و تمدن اقوام پیشین فلات ایران و فاتحان حکومت ماد، بابل، آشور و ... بودند، در قواعد و اصول سبک‌های هنر از اقوام پیشین فلات ایران و سرزمین‌های تابعه تأثیر پذیرفتند. در واقع هنر هخامنشی آمیزه‌ای از تجربیات هنری این اقوام با ویژگی‌های خاص هنر پارسی است.

### ۲-۱- تخت جمشید



تصویر ۱- پلان تخت‌جمشید؛ مأخذ:

(www.iranicaonline.org)

تخت‌جمشید در سال‌های ۵۲۰ الی ۴۶۰ پیش‌ازمیلاد، در زمان زمامداری داریوش و خشایارشا بنا گردید. این مجموعه ساختمانی در شهر مرو دشت (۴۵ کیلومتری شهر شیراز) در دامنه کوه رحمت واقع شده‌است. کاخ تخت جمشید بر روی صفا مرتفعی قرار گرفته و نحوه دسترسی به صفا و ورود به تالارهای آن از طریق پلکانی عظیم و دو جانبه که در جبهه غربی قرار گرفته، صورت می‌پذیرد. مجموعه بناهای تخت‌جمشید عبارتند از: دروازه ملل، آپادانا (کاخ بارعام)، کاخ تچر، کاخ هدیش، کاخ صدستون، حرمسرا، تالار مرکزی، مجموعه بناهای شرقی، گنجنامه و ... (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۷۷). به‌طورکلی، این مجموعه در برگیرنده چهار قسمت اصلی معمول در کاخ‌های هخامنشی، دروازه اصلی، تالار بارعام، کاخ‌های اختصاصی و اتاق‌های مسکونی، می‌باشد، (تصویر ۱) (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۱۳۸).

### ۲-۱-۱- درخت زندگی<sup>۱</sup> در اندیشه هخامنشی

اندیشه ایرانی نگاهبان درخت، امشاسپند امرداد ایزدانوی گیاهان و بی‌مرگی است که بیدادگران نسبت به گیاهان را از ورود به بهشت باز می‌دارد (طاووسی، ۱۳۶۸: ۳۸). او نیروی نگهدارنده همه گیاهان و رویدنی‌ها و سبزشدنی‌ها و مرزها و انباز دیرینه

خرداد امشاسپند آبهاست (بهرامی، ۱۳۶۹: ۱۵۱). در ایران هخامنشی درختان میوه از جمله خرما و انگور نماد زندگی و باروری بوده‌اند و درختان بدون میوه چون چنار و سرو که عمری دراز دارند تقدیس شده و برایشان مراسم دینی به جای می‌آورده‌اند (کندی، ۱۳۸۱: ۲۶). بدین ترتیب، شاید بتوان اذغان داشت که این درخت از اندیشه‌ای بس سترگ‌تر از سودمندی چند گیاه بوده و بتوان آن را سیمای نمادین نیروی الهی یا اساطیری دانست. درخت زندگی در هنر رسمی هخامنشی از بهترین نقش‌مایه‌های برگرفته از هنر کهن فلات ایران و سرزمین‌های تابع امپراتوری به‌شمار می‌رود که به شکل‌های گوناگون در زیورها و سنگ نگاره‌ها تکرار گردیده‌است. در تصویر ۲ نگهبانی هخامنشی دیده می‌شود که از درخت سرو یا درخت زندگی پاسداری می‌کند.



تصویر ۲- درخت زندگی، تخت جمشید؛ مأخذ: (www.iranicaonline.org)

## ۲-۱-۲- شیر<sup>۲</sup> و گاو<sup>۳</sup>

یکی از نقش‌های مکرر در تخت جمشید، صفی از شیران و گاوان رونده‌ای است (تصویر ۳ و ۴) که به دنبال هم یا یک در میان ره می‌سپارند. طراحی آنها مجموعه‌ای منسجم از خطوط منحنی و نرم می‌باشند که به روانی و سیالی دلپذیری کشیده و اندام و بافت‌های اصلی جسیم و قدرت بدنی تنومند آنها را به نمایش گذارده‌است. گام‌های سنگین و سرشار از انرژی و توان ره‌پویی و دُم‌های در اهتزاز آنها به همراه غرش شیر و فروتنی گاو با فواصلی منظم و حساب‌شده، آهنگی متوازن به‌وجود آورده‌است. جهت حرکت آنها از دو سو به سمت وسط محدوده بوده و در دو سوی گل دوازده‌پر یا گوی بالدار به یکدیگر می‌رسند.



تصویر ۴- گاو، تخت جمشید؛ مأخذ: (www.cgart.ir)



تصویر ۳- شیر، تخت جمشید؛ مأخذ: (www.cbc.ir)

۲-۱-۳- لاماسو<sup>۴</sup> (انسان-گاو بالدار)

در تخت جمشید انسان-گاو بالدار<sup>۵</sup> در دو طرف دروازه بزرگ، به سمت تالار صدستون قرار دارد. همچنین روی ستون‌های تالار سه دروازه و یک ردیف از دو ردیف هشت ستونی ایوان تالار صدستون جای گرفته‌است (Schmidt, 1939: 2). انسان-گاو بالدار تخت جمشید، از چندین قطعه سنگ حجاری شده تشکیل یافته‌است. ارتفاع آن‌ها در ورودی حدود ۱۱۰ سانتی‌متر (Ritter, 2010: 3) و ارتفاع انسان-گاو بالدار سرستون حدود ۱۰۷ سانتی‌متر است (کاتالوگ موزه ایران باستان، ۱۳۹۱).  
چهره آن صورت مردی ریشدار است که سیمایی با وقار دارد و ریش مجعد آن آرایشی خاص شده و موهایش روی شانه‌ها افتاده‌است. گوش‌های گاوی آنها دارای گوشواره و تاجی با سه ردیف شاخ در دو طرف آن دارد. بر لبه بالای کلاه، یک ردیف گل نیلوفر و بر بالای آن صفی از درختان کشیده قرار دارد. گل‌های گردن و تاج در پیکره‌های ورودی دوازده پر است و بافتی که روی سینه را تزئین کرده، به اشکال پرماندی همچون فرم‌های نوار بالایی تاج شباهت دارد. بال‌ها از پشت کتف و از میانه شروع می‌شود و از سه ردیف پر تشکیل شده که دارای انحنايي به سمت بالا است.



تصویر ۵- انسان-گاو بالدار؛ مأخذ: (موزه لوور)

این موجود، همان‌گونه که در تصویر ۵ مشهود است، گاو نری با چهارپا است که دو پای جلو آن در حالت ایستاده و دو پای عقبی آن در حالت راه رفتن حجاری شده‌است (شهبازی، ۱۳۷۵: ۲۷). در رابطه با انسان-گاو بالدار در اساطیر ایران، هینلز این-گونه بیان می‌کند که در افسانه‌ها و روایت‌های ایرانی از گاو بالدار نشانی نیست و تنها در نقش‌های تخت جمشید و دیگر نقش‌ها است که این گاو دیده می‌شود. همچنین، ممکن است این نقش‌ها برگرفته از اساطیر میان‌رودان و آشور باشد (هینلز، ۱۳۸۱: ۴۵۸).

۲-۱-۴- شیر دال (گریفین)<sup>۶</sup>

بر طبق تعریف دهخدا، «گریفین (شیردال) حیوان افسانه‌ای است که ترکیبی از جسد شیر، سر و بال عقاب (شاهین، دال)<sup>۷</sup>، گوش اسب و تاجی شبیه آلت سباحه (شناوری) ماهی دارد» (دهخدا، ۱۳۷۳). این موجود عجیب‌الخلقه دارای اصل و نَسبی یونانی است که نمونه‌هایی از آن در افسانه‌ها و هنر بین‌النهرین، مصر، یونان، هند و ایران مشاهده شده‌است (Hawkins, 1986: 308). این شکل در میان موجودات مقدس در هنر خاورمیانه تا دوره هخامنشی تداوم داشته و به عقیده جیمز هال، گونه شیر دال در خاورمیانه ممکن است در طی مهاجرت عظیم از شمال شرقی در نیمه اول هزاره دوم ظاهر شده باشد (هال، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۵). بر طبق نظر هرودت، گریفین متعلق به سیت‌ها یا سکاها می‌باشد که در شمال آسیا ساکن بودند و عقاید مربوط به این موجود در اثر مهاجرت آنها به سایر سرزمین‌ها از جمله ایران و یونان رسیده‌است. برخی دیگر ریشه آن را از تمدن هند باستان و برخی نیز از تمدن بین‌النهرین و مصر می‌دانند (جابر انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۱).



تصویر ۶- سر ستون گریفین، تخت جمشید؛ مأخذ: (ویکی پدیا)

نمونه‌های گریفین یا شیر دال دوران هخامنشی (تصویر ۶) به تاریخ ۵۰۰ پیش از میلاد بر می‌گردد. از لحاظ فرم هنری این موجودات خاص دوران هخامنشی شده‌اند و بیشترین نمونه‌ها و به یادماندنی‌ترین گریفین‌ها را در بین تمام دوران‌ها نمایش داده‌اند. گریفین‌های هخامنشی از اندازه‌های بزرگ برای سر ستون تا ابعاد کوچک برای زیورآلات ساخته شده‌اند. سر ستون‌هایی با نقش این موجودات شکل ساده‌تری دارند و در زیورها و نقش برجسته‌ها تزئینات و ریزه‌کاری‌ها در اجرای بال، پیکربندی خشن و قدرتمند بدن، نوع ایستایی، تزئین قسمت سر، گوش و ... بسیار زیبا در سبک هخامنشی و خوش پرداخت است. گریفین‌های هخامنشی که در این دوران بیشتر به هُما معروف‌اند، فرمی کاملاً استیلیزه شده و انتزاعی دارند. گوش‌های در طرفین به طرف بالا جزء لاینفک هُما هستند. تأثیرپذیری از هنر بین‌النهرین را در شکل‌گیری فرم گریفین در این دوران نباید از نظر دور داشت (همان، ۱۰۳-۱۰۴).

## ۲-۱-۵- لوتوس<sup>۸</sup>

لوتوس (نیلوفرآبی) یک نشان تاریخی است و برای آریایی‌های باستان، مظهر پیدایش مینوی و جاودانگی بود؛ زیرا این گل تنها آفریده‌ای بود که در مرداب‌های خاموش و بی‌جنب و جوش پدید می‌آمد. نیلوفر آبی با برآمدن آفتاب باز و با فرورفتن آن بسته می‌شود و بدین انگیزه مظهر خورشید است و با میترا همبستگی دارد. «بنابر اعتقادات اساطیری، مهر را رب‌النوع خورشید می‌دانستند و نیلوفر با آیین مهر، پیوندی نزدیک دارد. بعضی از پژوهشگران معتقدند در صحنه زایش مهر، آن چیز که مانند میوه کاج است و مهر از آن بیرون می‌آید، غنچه نیلوفر است نه صخره» (باحقی، ۱۳۸۶: ۴۲). بدین ترتیب، هخامنشیان که به میترا دل‌بستگی فراوانی داشتند از شاخه، گل و برگ نیلوفر که نماد میترا بود در آرایش ساختمان‌های تخت‌جمشید سود بسیار برده‌اند. با توجه به سنگ‌نگاره‌های تخت‌جمشید، برخی از مردان بلندپایه پارسی و ماد هنگام دیدار شاه برای شادباش مهرگان یا نوروز این گل را به دست می‌گرفتند (تصویر ۷).



تصویر ۷- لوتوس، تخت جمشید؛ مأخذ: (www.iranicaonline.org)

## ۲-۱-۶- تأکید و تکرار

نقوش تخت جمشید در تمامی بخش‌های آن، در تکرار و تداوم جلوه می‌کنند. کمتر نقشی موجود است که تکرار نشده باشد. تکرار نقوش نوعی تأکید بر معنا و مفهوم نمادین آنهاست؛ در نتیجه تکرار معنا، رابطه‌ای ناگسسته با زمان پیدا می‌کند. از سویی دیگر تکرار، تکثر نیز هست، تکثری در زمان و مکان. گل‌های دوازده پری که در جای‌جای تخت‌جمشید، تکرار گردیده، در چرخش دایره‌وار خود، زمان را پیش می‌برند. زمانی که یک‌سال آن دوازده ماه است و می‌خواهد سالیان سال بگذرد. تمنای طراحان تخت‌جمشید این است که این گردش سالیانه بر راستی، برکت و شادمانی بگذرد، یعنی همان نشانه‌های پیروزی و تفوق اهورامزدا، تا نظام ارته/اشه حفظ و تعادلی که بر خردمندی استوار است، برقرار باشد. کنگره‌ها مدام تکرار می‌شوند تا محدوده اهورایی از معرض سپاه دشمن (اهریمن) در امان باشند. نگهبانان تکرار می‌شوند تا بر جادوی حضور تصویری آنان تا ابد تأکید گردد. ستون‌ها تکرار می‌شوند تا بر پایه‌های استواری یک نظام پربرکت و هر دم متکثر، تأکید شود. پلکان‌ها تکرار می‌شوند تا ضرباهنگی از امنیت خاطر و حس استعلایی را القا کنند. به یاد آوریم که پیکره‌های انسانی نقش‌شده بر پلکان‌ها، جملگی در حال بالا رفتن به نمایش درآمده‌اند و موردی از پایین آمدن آنها دیده نمی‌شود. صف خراج‌گزاران با فواصل معین، تکرار می‌شوند تا بر گستره جغرافیایی امپراتوری تأکید و اقتدار خود را به نمایش بگذارند. رویش گل‌های نیلوفر به تکرار در حال گل‌افشانی نشان داده می‌شود تا بر فرّ (خوره) -مشروعیت- دینی و سیاسی امپراتوری بیافزاید. حمله شیر به گاو، در جای‌جای پلکان کاخ‌ها تکرار می‌شوند، تا این نبرد برقرار و تداوم داشته باشد. گفته شد تکرار، نوعی تکثر است، و تکثر در معنای فراوانی ازدیاد به کار می‌رود (دادگی، ۱۳۸۵: ۳۵).

## ۲-۱-۷- تقارن

نقوش تخت جمشید از کیفیتی متعادل برخوردارند. جهانی که طراحان تخت‌جمشید بر بنیادی هندسی خلق کرده‌اند، آن چنان کلیت به هم تنیده‌ای دارد و آن چنان هر چیز بر جای خود نشاند شده‌است، که کوچکترین تغییری را جدای از جهان موردنظرش، پذیرا نیست. نقوش تخت‌جمشید به‌طور غالب شامل طرح‌های متقارن و تقارن در ترکیب‌بندی‌هاست. قرینه‌سازی در طراحی بسیار ساده و منطقی است، اما تداوم آن یکنواختی و سکون به همراه دارد. تکرار و قرینه‌های بسیار نقوش در تخت جمشید، آهنگی مکرر از ضرباهنگی با افت و خیز معین پدید آورده، که گاه برای مخاطب ملال‌آور می‌نماید. تأمل در نظام اعتقادی هخامنشیان و کاربری‌های تخت‌جمشید و رابطه‌ای که به‌طور قطع، بیانی ملال‌انگیز برای مخاطبان زمانه‌اش در برنداشته‌اند. قرینه‌ها، همچون تصاویری که در آینه‌ها تکرار می‌شوند، همگی بیانگر یک مطلب‌اند. مضمونی که می‌باید در گوشه و کنار تخت‌جمشید، و از زوایای گوناگون، هر دم و هر لحظه در معرض دید قرار می‌گرفت.

۳- نگاهی اجمالی به تمدن اورارتو<sup>۹</sup>

در طول قرن نهم پیش‌ازمیلاد، در فلات مرتفع ارمنستان، از چندین قوم به تدریج رشد یافته غیرمتعدّد، امپراتوری مقتدر اورارتو به وجود آمد. این امپراتوری با تاریخی متغیر تا اولین دهه قرن ششم پیش‌ازمیلاد وجود داشت و در اوج قدرت‌ش از خم غربی فرات در ملطیه<sup>۱۰</sup> در ترکیه تا حدود اردبیل در ایران و از لنیناکان<sup>۱۱</sup> در جمهوری ارمنستان تا حدود رواندز<sup>۱۲</sup> در عراق بسط می‌یافت و چنان قدرتی به هم زد که حتی قدرت بزرگی مانند آشور با تمام اهتمامش برای ویرانی اورارتو، مجبور بود که موجودیت این حکومت را قبول کند (کلایس، ۱۳۶۷: ۸۶). در واقع، در نیمه اول هزاره اول پیش‌ازمیلاد، بعد از آشوریه‌ها، اورارتوها در میان دولت‌های خاور نزدیک با قدرت‌ترین آنها به‌شمار می‌رفتند و مهمترین مرکز سیاسی چنین قدرتی در حقیقت دریاچه وان و پیرامون آن بود. به نام این قوم که در تاریخ باستان، از لحاظ زمانی ۶۰۰ تا ۹۰۰ پیش‌ازمیلاد را به خود اختصاص داده‌اند، برای نخستین بار، در منابع آشوری که به خط میخی نوشته شده‌است، در قرن سیزدهم با عنوان اورواتری<sup>۱۳</sup> بر می‌خوریم که در تاریخ فوق، هنوز اورارتوها با هم متحد نشده و یک دولت مستقل تشکیل نداده بودند<sup>۱۴</sup> (فیروزمندی، ۱۳۷۶: ۱۲۵).

به نظر می‌رسد کشور اورارتوها شدیداً متمرکز و نظامی رهبری شده باشد. معماری‌های اورارتویی که تاکنون شناخته شده، بیشتر حصار استحکامات بوده‌است، آنها به روشنی نشان می‌دهند که مرکز ثقل ماهیت معماری اورارتویی در تأسیسات استحکامات نظامی است (کلایس، ۱۳۶۷: ۹۰). علیرغم اینکه آشوریها و اورارتوها دشمن یکدیگر بودند، ولی در واپسین روزهای تاریخ خود، به این فکر افتادند که برای مقابله با اوج اقوام جوان و جدیدی که از شمال سرزمین‌های آنها را مورد تهاجم قرار داده بود، از در آشتی و دوستی برآمده و بر حسب ضرورت، دشمنی را کنار گذاشته و در جوار یکدیگر، با این مهاجمین بجنگند. ولی این اتحاد و دوستی، دو دشمنی که در خلال سال‌ها جنگ، همدیگر را ضعیف و ناتوان کرده بود، به جایی نرسید و بالاخره آشور در سال ۶۱۲ پیش‌ازمیلاد فرو پاشید و در سال ۶۰۰ پیش‌ازمیلاد، اورارتوها نیز گرفتار طوفان حملات مادهای پیروز و متحدین آنها سکائپها گردیده و بدین ترتیب قدرت آنها هم، برای همیشه در هم شکسته و بعد از این تاریخ، دیگر آنها نیز هیچ وقت در صحنه سیاسی ظاهر نشدند (فیروزمندی، ۱۳۷۶: ۱۲۷). آثار برجای مانده از حضور سیصد ساله این دولت در شمال غرب ایران، شامل تعداد زیادی مصنوعات مصرفی و زینتی، آثار معماری، هنرهای تزئینی و زبان و خط است.

### ۳-۱- دژ اربونی

این دژ (تصویر ۸) در جنوب شرقی ایروان قرار دارد. شهر فعلی ایروان نام خود را از این محوطه که توسط آرگیشتی<sup>۱۵</sup> اول در سال ۷۸۲ پیش‌ازمیلاد بر روی تپه آرین برد<sup>۱۶</sup> بنیان‌گذاری شده، گرفته است. این دژ در بالای تپه‌ای به بلندای ۶۵ متر، به عنوان یک موقعیت استراتژیک مشرف به دشت آرات و جاده‌های اصلی، قرار داشت. در بخش جنوب غربی حیاط معبد هالیدی خدا قرار داشته است. معبد طرح مستطیلی شکل بزرگ با راه پله‌ای به زیگورات برج و یک اتاق جانبی در طبقه پایین‌تر منتهی شده‌است. محراب برای مراسم قربانی کردن در دیوار سمت چپ واقع شده بود. بر روی دیوارها، چهره‌های انسانی، خدایان، طرح‌های هندسی و گل‌های تزئینی نقش کرده‌اند. یکی از نقاشی‌های دیواری، خدای هالیدی (تصویر ۹) را نشان می‌دهد که با یک عصا یا گرز در دست چپ بر روی شیری ایستاده است.



تصویر ۸- پلان دژ اربونی؛ مأخذ: (Khalpakhian, 1980)؛ تصویر ۹- خدای هالیدی، دژ اربونی؛ مأخذ: [www.erebuni.am](http://www.erebuni.am)

این دژ، از سال ۱۹۵۰، توسط آکادمی علوم ارمنستان مورد کاوش قرار گرفته و دارای ارگ حکومتی، دو معبد، انبارهای متعدد جهت ذخیره آذوقه و ساختمان‌های مسکونی است. قطعات متعددی از نقاشی‌های دیواری دوران اورارتویی در این محوطه به‌دست آمده‌است. لایه فوقانی آن تالار ستون‌داری (آپادانا) را شامل می‌شود که تعلق آن به دوره هخامنشی توسط هوانسیان<sup>۱۷</sup> معمار کاوشگر آن اثبات شده‌است (پیاتروفسکی، ۱۳۸۳: ۳۲۶-۳۲۷).

## ۳-۱-۱- درخت زندگی در اندیشه اورارتویی

در اندیشه ارمنیان باستان، گناتس زار یا درخت زندگی (تصویر ۱۰) درختی است که خداوند آن را از بهشت به زمین فرستاده است. این درخت، که موجب جاودانگی خدایان و انسان‌های عادل بود، به صورت نمادی از هاپک خدای بزرگ مورد پرستش قرار می‌گرفت. موسی خورنی<sup>۱۸</sup> در کتاب تاریخ ارمنستان بیان می‌کند که ارمنیان با استفاده از درخت به پیش‌بینی وقایع و پیش‌گویی (تصویر ۱۱) اقدام می‌کردند (ایشخانیان، ۱۳۸۷: ۱۸).

در اورارتو از سده ۱۳ تا ۶ پیش از میلاد، درخت زندگی نمادی دینی بود که بر روی دیوار دژها و جوشن جنگاوران نقش می‌شد. شاخه‌های این درخت به دو دسته همسان در راست و چپ بخش می‌شود که بر سر هر کدام برگری قرار دارد و خدمتکاران بالدار در دو سوی درخت ایستاده‌اند. این درخت بر روی بسیاری از آثار اورارتویی مانند نقاشی‌های دیواری دژ اربونی دیده می‌شود (Spencer, 2008: 274).



تصویر ۱۰- بخشی از نقاشی روی دیوار، دژ اربونی؛ مأخذ: (www.erebuni.am)



تصویر ۱۱- تصویری از پیش‌گویی با درخت، فرسکو، دژ اربونی؛ مأخذ: (www.erebuni.am)

## ۳-۱-۲- شیر و گاو

در هنر دوران پادشاهی سلسله آراتات، شیر در بین جانوران جایگاهی ویژه داشته زیرا یکی از نشان‌های خدای بزرگ ارمنیان، هالدی، بوده است. از این رو، غالباً در نقاشی‌های دیواری قصرها، از نقوش شیر استفاده شده است (ایشخانیان، ۱۳۸۷: ۳۲). هالدی (خالدی)<sup>۱۹</sup> خدای بزرگ مردمان اورارتو که ایزد جنگاوری بود، همواره ایستاده بر پشت شیر تصویر می‌شد (تصویر ۹). نکته مهم در فرهنگ و تمدن اورارتویی حضور خدایی ایرانی در دین آنهاست؛ هالدی، بزرگترین خدای اورارتوها، خدایی ایرانی است که پس از تصرف شهر ایرانی موسیسیر از ایرانیان اقتباس شده است. نام باگبارتو همسر خالدی نیز کلمه‌ای ایرانی است که معنی همسر خدا می‌دهد (تصویر ۱۲).

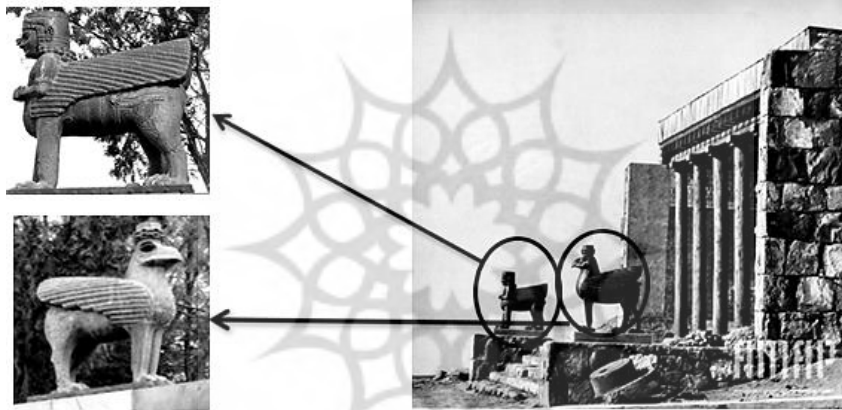




تصویر ۱۲- دیوارنگاره، دژ اربونی؛ مأخذ: (www.erebuni.am)

### ۳-۱-۳- موجودات ترکیبی (لاماسو، گریفین)

در کاوش‌های روساهینیلی (توپرا قلعه) از سده هفتم پیش از میلاد، تندیس‌های موجودی مرکب از انسان، گاو و عقاب به دست آمده که غالباً دست‌ها را بر روی سینه به هم چسبانده است. در آثار مربوط به دوران پادشاهی سلسله آراتان وان (ششم پیش از میلاد)، نمونه‌های بسیاری از کنده‌کاری‌ها و نقاشی‌های دیواری، سفال و زیورآلات و نیز تندیس‌هایی با نقش جانوران اسطوره‌ای چون شیردال، انسان-عقاب و همچنین انسان-شیر دیده می‌شود (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- سمت راست: نمای بازسازی شده از ورودی دژ اربونی؛ مأخذ: (www.armenianheritage.org)

سمت چپ: پیکره‌های بازسازی شده در موزه اربونی؛ مأخذ: (www.erebuni.am)

### ۳-۱-۴- لوتوس و عناصر تزئینی

لوتوس یا نیلوفر آبی، از جمله نقش‌مایه‌هایی است که در تمدن‌های بسیاری حضور داشته است که این می‌تواند نشان از عمق و اهمیت آن داشته باشد. در تمدن اورارتو نیز همواره به اشکال مختلف، این نقش‌مایه دیده می‌شود که گاهی تداعی‌کننده گردونه خورشید است و گاهی تنها به صورت تزئینی در حاشیه نقاشی‌ها ظاهر گشته است. شکل آنها بسیار ساده و ابتدایی و البته کاملاً منظم و متقارن ترسیم شده‌اند و در رنگ‌آمیزی نیز در آن دقت شده است. از دیگر نقوش تزئینی در دژ اربونی، می‌توان به کنگره‌های متناوب، که یکی در میان رنگ‌های قرمز و آبی در آن استفاده شده است و نقوش دیگر، یاد کرد (تصویر ۱۴).


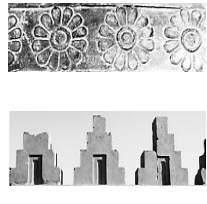


تصویر ۱۴- نقش‌مایه‌های تزئینی استفاده شده در دیواره‌های دژ اربونی

## ۴- نمادها و نقش‌مایه‌های تخت جمشید و دژ اربونی

وجه تمایزات و تشابهات میان نمادها و نقش‌مایه‌های تخت جمشید و دژ اربونی، که تا بدین جا شرح آنها رفت، را می‌توان به صورت تطبیقی و تفکیک‌شده در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

جدول ۱- تطبیق تمایزات و تشابهات در نمادها و نقش‌مایه‌های تخت جمشید و دژ اربونی؛ مأخذ: (نگارندگان)

جزئیات تصویری	دژ اربونی	جزئیات تصویری	تخت جمشید	نمادها و نقش‌مایه‌ها	
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خدمتکار بالدار</li> <li>- برگ بر نوک درخت</li> <li>- جاودانگی خدایان و انسان</li> <li>- نمادی از خدای هایک</li> <li>- پیش‌گویی وقایع</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>- نگهبان درخت</li> <li>- سرباز هخامنشی</li> <li>- درخت سرو (مقدس)</li> <li>- نمادی دینی</li> </ul>	درخت زندگی	۱
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تلاش در بازنمایی</li> <li>- دم منحنی</li> <li>- غرش شیر</li> <li>- نماد خدای هالیدی</li> <li>- فروتنی گاو</li> <li>- یک پا زانو زده</li> <li>- انحنای شاخ</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>- خطوط منحنی و نرم</li> <li>- (روانی و سیالیت)</li> <li>- بدن جسیم و تنومند</li> <li>- غرش شیر</li> <li>- فروتنی گاو</li> <li>- دارای دو شاخ</li> <li>- پاهای عقب در حال حرکت</li> </ul>	شیر و گاو	۲
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم توجه به برجستگی‌ها</li> <li>- استفاده از خطوط صاف و مورب برای بال‌ها</li> <li>- ثبات و ایستایی</li> <li>- همسانی پاهای عقب و جلو</li> <li>- تزئینات کم</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>- عضلات متورم</li> <li>- واقع‌نمایی در نمایش رگ‌ها و برجستگی‌ها</li> <li>- استفاده از منحنی‌ها برای نمایش بال‌ها</li> <li>- جزئیات در ترسیم بال‌ها و تزئینات بدن</li> <li>- انعطاف و حرکت</li> <li>- ترسیم پاها در حال حرکت</li> </ul>	لاماسو	۳
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم توجه به برجستگی‌ها</li> <li>- بال‌های صاف</li> <li>- ثبات و ایستایی</li> <li>- تزئینات کم</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>- پیکربندی خشن و قدرتمند</li> <li>- دارای تزئینات در قسمت سر، گوش و... فرمی کاملاً استیلیزه و انتزاعی</li> </ul>	گریفین	۴
	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ساده و ابتدایی</li> <li>- منظم و متقارن</li> <li>- استفاده از رنگ</li> <li>- وجود تکرار، تأکید و تقارن</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأکید بر معنا و مفهوم</li> <li>- دقیق و هندسی (۱۲پر)</li> <li>- دقت در جزئیات</li> <li>- وجود تکرار، تأکید و تقارن</li> </ul>	عناصر تزئینی (لوتوس، کنگره)	۵

## ۵- نتیجه گیری

موارد بررسی شده در پژوهش حاضر، نشان‌دهنده نمادها و نقش‌مایه‌های مشترک بسیاری میان تخت‌جمشید و دژ اربونی می‌باشد. این نمادها و نقش‌مایه‌های مشترک، عبارتند از: درخت زندگی، شیر و گاو، لاماسو، گریفین، لوتوس و عناصر تزئینی، که در هر دو بنا مورد تأکید و تکرار قرار گرفته و حالتی متقارن با اجزای دیگر به‌وجود آورده‌اند. این نقش‌ها در دژ اربونی بسیار ساده و ابتدایی، ولی دقیق و منظم ترسیم شده‌اند. در آنها حرکت و جاننداری دیده نمی‌شود و گویی در همان تاریخ خود منجمد شده‌اند و در ثبات و سکون ابدی فرو رفته‌اند. ولی برعکس آنها در تخت‌جمشید، نقوش دارای روح و جان هستند، برجستگی عضلات و اندام آنها به دقت ترسیم شده و به آرایش و جزئیات و تزئین اهمیت داده شده‌است. حیوانات آن انعطاف‌پذیرند و به‌گونه‌ای حک شده‌اند که گویی تا ابد در حال حرکت هستند و قصد ایستادن ندارند. علاوه بر اینها، نکته قابل توجه در دژ اربونی، استفاده از رنگ است که علیرغم بی‌جان بودن تصاویرش، روح و حیاتی تازه در کالبد آنها بخشیده، مخصوصاً جلوه‌ای دیدنی به عناصر تزئینی آن داده‌است.

## پی‌نوشت‌ها

## 1 Tree of life

2 معنای سمبلیک: آتش، ابهت، پارسایی، پرتو خورشید، دلاوری، روح زندگی، سلطنت، سلطان جانوران، شجاعت، عقل، غرور، قدرت الهی، قدرت نفس، گرمای خورشید، مراقبت، مواظبت، نیروی ابر انسانی و مادون انسانی (الهی و حیوانی)؛ در باورهای قومی و اساطیری: نشانگر باروری زمین است. در مجموع خورشید مظهر خداوند و شیر مظهر قدرت و اقتدار هر دو به نوعی به شاهان مربوط هستند. جشن مهرگان در روز ۱۶ مهر در ایران باستان آیین خاصی داشته ظهور آفتاب بر عالم همچون میان برج اسد و آفتاب رابطه‌ای نجومی برقرار است؛ در عرف منجمین برج اسد خانه خورشید است.

3 در اوستا علاوه بر معنی معمول آن به‌صورت اسم جنس بر همه چهارپایان مفید اطلاق می‌شود مانند گاو ماهی، گاو میش، گاو گوزن و گاو گراز. در ایران نیز میان چهارپایان دیگر مفیدتر از همه تلقی می‌شود. گاو نر یا ورزا عمل زراعت و شخم زدن را بر عهده داشته و اساس تغذیه در زندگی کشاورزان بوده. گاو زمین: در افسانه‌های آریایی گاو مقدس و نماینده قدرت و نیروست. قدام معتقدند زمین روی شاخ گاو قرار دارد و گاو بر پشت ماهی بزرگ سوار بر دنیاها شناور است. هرگاه که او خسته می‌شد زمین را از روی یک شاخش به روی شاخ دیگر می‌لغزاند و همین موجب زمین لرزه می‌شد. گاو با سر شیر علامت حاصل‌خیزی و قدرت زمین است. در ایران باستان گاو ماده علامت رسالت، عقل و علامت خورشید یا ماه بوده‌است.

4 Lamassu، در هنر، لاماسو به شکل گاو بالدار و یا به شکل شیر با سر انسان مذکر به تصویر کشیده شده‌است. لاماسو را در ورودی شهر قرار می‌دادند تا هرکسی که وارد شهر می‌شود بتواند آن را ببیند. لاماسو از جلو ایستاده و از کنار در حال راه رفتن به نظر می‌رسد. از این حالت برای قدرتمند نشان دادن لاماسو استفاده می‌شده است. لاماسو در زندگی واقعی بسیار بلند بوده‌است، از همین رو از آن به‌عنوان نمادی از قدرت استفاده می‌کردند.

5 Human-headed winged bull

6 Griffin

7 شاهین برای ایرانیان باستان پیک خورشید بود (یشت‌ها، ۱۴ و ۱۹) که در کشتن گاو نخستین، با مهر یا میترا متحد شد. نام شاهین در اوستا سئنه گفته شده که اغلب او را مترادف با همان پرنده اسطوره‌ای، سیمرغ گرفته‌اند. در توصیفاتی که از اهورامزدا شده، او را به سر شاهین مانند کرده‌اند (به همین سبب این پرنده نماد اهورامزدا است). فرّ ایرانی و فرّ کیانی که در اوستا از آن نام برده شده به‌صورت پرنده‌ای به نام وارغن آشکار می‌شود که در واقع نوعی پرنده شکاری شبیه شاهین است و گاه او را هُما خوانند. هُما، که آن نیز یکی از زیرگونه‌های خانواده پرنده‌گان شکاری است، به معنی فرخنده و همایون است. گفته‌اند که این پرنده اگر بر سر کسی نشیند یا بر بالای سر کسی پرواز کند و سایه بالش بر افتد، شاه می‌شود. هُما گرچه شباهت زیادی به شاهین دارد، اما در واقع پرنده‌ای متفاوت است؛ رنگ او مایل به خاکستری نسبتاً تیره، دارای طوق زیر گردن و به خصوص دو رشته گوشت آویخته، شبیه سبیل، از کناره منقار است. علاوه بر آن، در ایران باستان، هر یک از شهرهای بزرگ و برجسته کشور نمادی داشته‌است؛ مثلاً نماد شهر شوش، شاهین و نماد شوشتر، اسب بوده‌است.

8 Lotus، نیلوفر، نیلو، نیلوفر، نیلوفر، نیلوفر، نیلوفر یا پیچک یا لوتوس نام همگانی یک گروه از گل و گیاهانی است که در فارسی گل آبراد یا گل زندگی و آفرینش و یا نیلوفرآبی نامیده می‌شود. در اساطیر کهن ایرانی گل ناهید به شمار می‌رفته‌است. ناهید، تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده که از جهاتی با اعتقاد هندیان باستان مشابه است. در روایات کهن گل نیلوفر را جای نگهداری تخمه یا فرّ زردشت که در آب نگهداری می‌شده می‌دانستند از این رو نیلوفر با آئین مهر پیوستگی نزدیکی می‌یابد و خوشبو بوده‌است. رنگ کبود آن گاهی مظهر ماتم و عزا به حساب می‌رود. اما رابطه گل نیلوفر با خورشید آشکار است. این گل دریایی، که به شکل خورشید است، چون خورشید از آب

برمی‌خیزد، با طلوع خورشید شکفته می‌گردد و با غروب آن گلبرگ‌هایش به هم می‌رود: «گویند که با آفتاب سر از آب بیرون می‌آورد و باز با آفتاب فرو می‌رود، و گویند مرغی به وقت فرورفتن نیلوفر در میان نیلوفر درمی‌آید و صباح که نیلوفر از آب برمی‌آید و دهان می‌گشاید آن مرغ می‌پرد و می‌رود، و شب از آب هیچ زحمت نمی‌کشد» (مجتبایی، ۱۳۵۲: ۷۴).

<sup>۹</sup> Urartu، این عنوان در حقیقت از زبان آشوری اخذ شده است و به دلیل مقدم بودن آشورشناسی بر اورارتوشناسی، دانشمندی که با این نام در منابع آشوری برخورد می‌کردند آنرا اشاعه دادند. نام دیگری که آشوریه‌ها به این کشور داده‌اند، نائیری (Nairi) است. عنوان اصلی کشور، از طرف شاهان آن، بیایینی (Biaini) ذکر شده است.

<sup>۱۰</sup> Malatya

<sup>۱۱</sup> Leninakan، نام این شهر چندین بار تغییر کرده است. در سال ۴۰۱ پیش‌ازمیلاد با نام «کومایری» (Kumayri) بنا نهاده شد. بین سال‌های ۱۸۳۷ تا ۱۹۲۴ این شهر، «آلکساندراپول» نامیده می‌شد و بین سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۹۰ در دوران اتحاد شوروی «لنینکان» نام داشت و سرانجام پس از استقلال ارمنستان در سال ۱۹۹۱ به «گیومری» تغییر نام داد.

<sup>۱۲</sup> Rawandiz (Rawanduz, Rowanduz, Rwanz)

<sup>۱۳</sup> Uruatri

<sup>۱۴</sup> قدیمی‌ترین منبعی که در آن به وجود اورارتو اشاره شده، متون آشوری قرن سیزده پیش‌ازمیلاد است که در آنها واژه‌های «اورواتری» و «نائیری» آمده است. این مناطق تا قرن نهم پیش‌ازمیلاد به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شدند و از اواسط قرن نهم پیش‌ازمیلاد قبایل ساکن در آنها برای حفظ خود در برابر حمله‌های مداوم آشوریه‌ها متحد شدند و دولت اورارتو را تشکیل دادند. در واقع، تهاجمات آشور از قرن سیزده پیش‌ازمیلاد به قبیله «اورواتری» و «نائیری» که به صورت غیرمنسجم میان دریاچه وان و ارومیه زندگی می‌کردند در اواسط قرن نهم پیش‌ازمیلاد به اتحاد این دو طایفه و شکل‌گیری و ایجاد دولت اورارتو انجامید (هژیری نوبری، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۸).

<sup>۱۵</sup> Argisti پسر منوا (Menua) (۷۸۱-۷۶۰ ق.م) معاصر با سلیمان چهارم (۷۸۳-۷۵۴) و آشوردان سوم (۷۷۳-۷۵۴). نام آرگیشتی پسر منوا را ما از طریق نوشته‌های شمش ایلو (Samsi-Ilu) پادشاه آشور در تل بارسیب (Basib) و همچنین روی کتیبه‌ای که پیروزی‌های وی بر شاه اورارتو درج شده، می‌شناسیم. اگر بر طبق نظر دیاکونوف، سال اول پادشاهی آرگیشتی را ۷۸۰ ق.م بدانیم بنابراین پایان کار وی را باید در اواسط قرن هشتم قرار داد، زیرا در کتیبه‌ای از پسرش ساردوری، از پیروزی وی بر آشورنیراری (Assurnirari) پادشاه آشور سخن به میان آمده است (پیاتروفسکی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹). آرگیشتی (۷۱۴-۶۸۵ ق.م) پسر روسا، معاصر با سارگون دوم (۷۲۲-۷۰۵) و سناخریب (۷۰۵-۶۸۱).

<sup>۱۶</sup> Arinberd (قلعه خون)

<sup>۱۷</sup> Hovannisissian

<sup>۱۸</sup> Movses Khorenatsi (410-490) پدر تاریخ ارمنستان

<sup>۱۹</sup> Haldi (یا Hayk Khaldi) نام خدای جنگ اورارتوها یعنی خالدی که معنی آن در زبان اورارتویی مشخص نشده است، در سانسکریت به صورت khala-div به معانی قابل توجه خدای جنگ و خدای آسیب‌رسان است. به نظر می‌رسد این همان خدای اهریمنی ایرانیان باشد که مکانش در سمت آسیای صغیر ذکر شده است. در روایات ملی ایران به صورت خرزوره و ارزوره آمده و گفته شده که به دست کیومرث کشته شده است.

## منابع

- ۱- کاتالوگ موزه ایران باستان، (۱۳۹۱)، «آرشیو موزه ملی»، تهران: موزه ملی.
- ۲- آژند، یعقوب، (۱۳۹۰)، «تاریخ هنر باستان»، تهران: سمت.
- ۳- احسانی، محمدنقی، (۱۳۹۰)، «هفت هزار سال هنر فلزکاری ایران»، تهران: علمی فرهنگی.
- ۴- ایشخانیان، رافائل، (۱۳۸۷)، «هنر، مذهب و ادبیات شفاهی ارمنیان باستان»، ژیلبرت مشکنبریانس، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۴۵.
- ۵- بهرامی، احسان و جنیدی، فریدون، (۱۳۶۹)، «واژه‌های اوستا»، تهران: نشر باغ.
- ۶- پیاتروفسکی، باریس باریوویچ، (۱۳۸۳)، «تمدن اورارتو»، حمید خطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- ۷- پیرنیا، محمدکریم و معماریان، غلامحسین، (۱۳۹۲)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، تهران: ناشر مؤلف.
- ۸- جابر انصاری، حمیده، (۱۳۸۷)، «نمادشناسی گریفین و سیر تحولات فرمی آن در هنر ایران پیش از اسلام»، کتاب ماه هنر، تیرماه، صص ۹۸-۱۰۵.

- ۹- دادگی، فرنیغ، (۱۳۸۵)، «بندهش»، مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، دوره جدید، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- شهبازی، شاپور، (۱۳۷۵)، «شرح مصور تخت جمشید»، چاپ دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۱۲- طاووسی، محمود، (۱۳۶۸)، «خویشکاری مردمان نسبت به امشاسپندان»، ماهنامه فروهر، شماره ۳۱۷.
- ۱۳- فیروزمندی، بهمن، (۱۳۷۶)، «معماری آلتین تپه در عهد اورارتو»، هنر و معماری، شماره ۲۸، صص ۱۲۵-۱۴۷.
- ۱۴- کلایس، ولفرام، (۱۳۶۷)، «معماری اورارتویی»، فرامرز نجد سمیعی، هنر و معماری، شماره ۲۶ و ۲۷، صص ۸۶-۱۰۵.
- ۱۵- کندی، ادی سموویل، (۱۳۸۱)، «آیین شهریار در شرق»، فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۶- گریشمن، رمان، (۱۳۷۱)، «هنر ایران (در دوران ماد و هخامنشی)»، عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۷- لوکوک، پی‌یر، (۱۳۸۲)، «کتیبه‌های هخامنشی»، نازیلا خلخالی، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- ۱۸- مجتبابی، فتح‌الله، (۱۳۵۲)، «شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان»، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- ۱۹- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب»، رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۲۰- هژبری نوبری، علیرضا، (۱۳۷۸)، «نگاهی به معماری دفاعی اورارتو»، مدرس علوم انسانی، شماره ۱۳، صص ۱۷-۳۸.
- ۲۱- هژبری نوبری، علیرضا و دیگران، (۱۳۸۹)، «تحلیلی درباره ویژگی‌های نقوش ظروف زرین و سیمین هخامنشی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر، شماره ۶، تهران.
- ۲۲- هینلز، جان، (۱۳۸۱)، «شناخت اساطیر ایران»، زاله آموزگار، احمد تفضلی، چاپ هفتم، تهران: چشمه.
- ۲۳- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، «فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی»، تهران: فرهنگ معاصر.
- 24- Hawkins, Joycem. (1986). *The Oxford Reference Dictionary*, Oxford University Press, New York.
- 25- Ritter, N. (2010). *Human-headed Winged Bull*. www.religionswissenschaft.unizh.ch.
- 26- Schmidt, E.F. (1939). *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenid*, Chicago University Press, Chicago.
- 27- Spencer, Lawrence R. (2008). *Alien Interview*, Lulu.com.